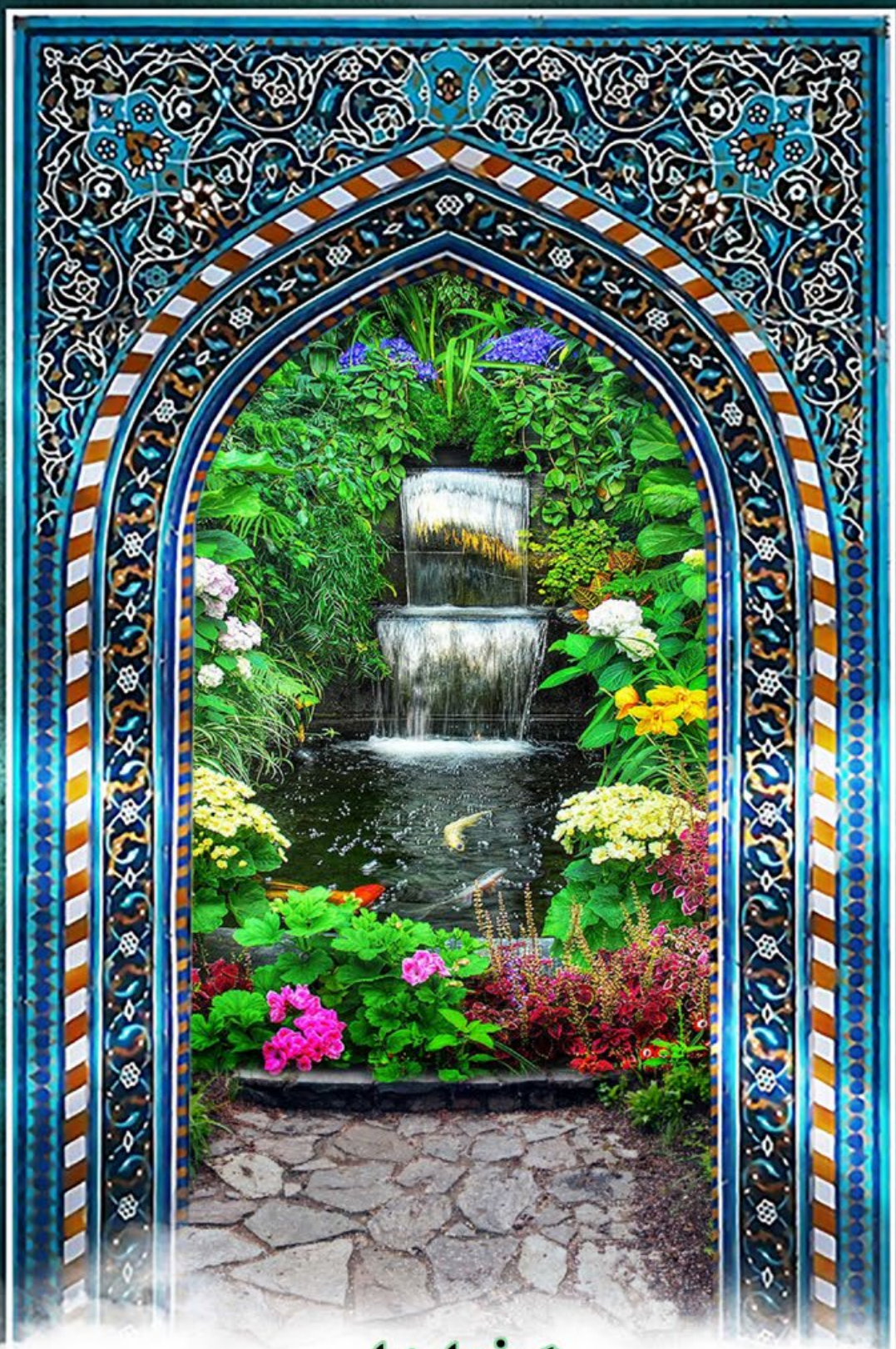




گفتارهای

مَنْصُورِ هَاشِمِی خراسانی

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

موضوع:

عقاید؛ شناخت ایمان و کفر؛ ادیان، مذاهب و فرقه‌ها

بسم الله الرحمن الرحيم

پنج گفتار از آن جناب درباره‌ی مرزها

۱. أَخْبَرَنَا صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّبْرَوَارِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنِ هَذِهِ الْبُلْدَانِ الَّتِي لَهَا حُكُومَةٌ وَحُدُودٌ، فَقَالَ: ﴿إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ﴾^۱، ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۲.

ترجمه‌ی گفتار:

صالح بن محمد سبزواری ما را خبر داد، گفت: از منصور درباره‌ی این کشورهای پرسیدم که حکومت و مرزهایی دارند، پس فرمود: «آن‌ها جز نام‌هایی که شما و پدران‌تان نهاده‌اید نیستند، خداوند برایشان حجتی نازل نکرده است»، «هرآینه زمین برای خداوند است، آن را به هر کس از بندگان‌ش که بخواهد میراث می‌دهد و عاقبت برای پرهیزکاران است».

۲. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الطَّالِقَانِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: مَا بَالُ أَقْوَامٍ يَعْمِدُونَ إِلَى أَرْضِ اللَّهِ الَّتِي جَعَلَهَا لِلنَّاسِ سَوَاءً، فَيَفْرِزُونَهَا بَعِيرٍ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ، يَقُولُونَ لِمَا طَابَ مِنْهَا أَوْ رَحَبَ: «هَذِهِ لَنَا وَلَيْسَ لِلْآخِرِينَ مِنْهَا نَصِيبٌ»، وَقَدْ كَانَ فِي الْآخِرِينَ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْهُمْ، وَلَا يَجِدُ إِلَّا خَبِيثَةً أَوْ صَيِّقَةً! أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ!

ترجمه‌ی گفتار:

احمد بن عبد الرحمن طالقانی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: گروهی را چه می‌شود که بر زمینی که خداوند به تساوی برای همه‌ی مردم قرار داده است دست می‌اندازند، پس آن را بدون علمی یا هدایتی یا کتابی روشن‌گر مرزبندی می‌کنند و به بخشی از آن که نیکو یا گسترده است می‌گویند: «این برای ماست و دیگران را از آن بهره‌ای نیست»؟! در حالی که میان دیگران کسانی هستند که از آنان (نزد خداوند) بهترند، ولی جز قسمتی بد یا کوچک (از زمین) نمی‌یابند! آنان هرآینه ظالمان هستند!

۱. النجم / ۲۳

۲. الأعراف / ۱۲۸

ترجمه‌ی گفتار:

حسن بن قاسم طهرانی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: برای مسلمانان مرزی وجود ندارد، مرز تنها برای کافران است و هر قومی از مسلمانان که میان خود و سایر مسلمانان مرزی قرار دهند، طوق اسلام را از گردن خود درآورده‌اند و به قومی منافق تبدیل شده‌اند.

شرح گفتار:

این گفتار آن جناب، بیانگر دیدگاه اسلام درباره‌ی مرزهای موجود میان کشورها خصوصاً کشورهای اسلامی است؛ چنانکه در کتاب «بازگشت به اسلام»، با تفصیل بیشتری آن را تبیین نموده و فرموده است:

> کافران پس از سیطره بر مسلمانان، سرزمین‌های آنان را متناسب با امیال و منافع درازمَدّت خود، تقسیم کردند و خطوطی موهوم با عنوان مرز را بدون در نظر گرفتن مصالح ساکنان مسلمان، در میان آنان ترسیم نمودند و با این شیوه، احساس یگانگی را از آنان گرفتند و اتحاد آنان با یکدیگر را به آرزویی دور و دراز تبدیل کردند. با مروری بر نقشه و تاریخ سرزمین‌های اسلامی آشکار می‌شود که بیشتر این خطوط مرزی در میان مسلمانان، مستقیماً با قلم کافران غربی و برای تأمین منافع یکسویه‌ی آنان رسم شده و هیچ بنیادی بر عقل و شرع نداشته و هیچ خیری برای مسلمانان به ارمغان نیاورده است. با این وصف، همه‌ی تعجب از مسلمانانی است که این خطوط خیالی را وطن خود می‌نامند و مقدّس می‌شمارند و معرّف ماهیّت خود می‌پندارند! بلکه برخی از آنان می‌کوشند که همین تگه‌های کوچک باقی مانده را نیز از یکدیگر تجزیه کنند و به تگه‌های کوچک‌تری تقسیم نمایند؛ چراکه از فرط تنگ‌نظری و انحصارطلبی، نمی‌توانند با هم در یک جا به سر آورند و هر گروه دوست می‌دارد که کوچه و محله‌ی خود را به عنوان کشوری مستقل اعلام نماید!

در حالی که مسلماً خداوند زمین را به صورت کشورهای مختلفی خلق نکرده، بلکه به صورت واحدی یکپارچه خلق کرده است که هر بخش آن بخش دیگر را کامل می‌کند و در مجموع به تأمین نیازهای انسان و تحقق سعادت او در پرتو عدالت منجر می‌شود و در صورت از هم گسستگی، ناقص و نامتناسب باقی می‌ماند. از این رو، مرزهای ادّعایی، هیچ وجودی در عالم واقع ندارند و تنها در ذهن کسانی که آن‌ها را اعتبار کرده‌اند، یافت می‌شوند و البته بسیار بی‌فایده، بلکه زیانبار هستند؛ چراکه تنها به جدایی مسلمانان از یکدیگر و ضعف و انحطاطشان می‌انجامد و از امکان مقاومت آنان در برابر کافران می‌کاهند. از این رو، کافران غربی که این مرزها را برای مسلمانان ترسیم کرده‌اند و آنان را به صیانت از آن‌ها تحریض می‌کنند،



خود در حال برداشتن مرزهایشان از یکدیگر و متحد شدن با هم هستند و به این ترتیب، سرزمین‌های اسلام هر روز کوچک‌تر و سرزمین‌های کفر هر روز بزرگ‌تر می‌شود!

در این میان، تنها راه نجات مسلمانان، قطع وابستگی به کافران و دستیابی به استقلال فرهنگی و اقتصادی است که جز از طریق برداشتن مرزهای ساختگی و متحد شدن با یکدیگر در زیر پرچم گماشته‌ی خداوند در زمین ممکن نیست؛ زیرا هنگامی که کافران با یکدیگر متحد شده‌اند، مسلمانان پریشان و پراکنده، قادر به مقاومت در برابر آنان نیستند و این قانونی طبیعی از قوانین خداوند است. با این وصف، ایجاد یک کشور پهناور اسلامی با ادغام همه‌ی سرزمین‌های مسلمان در آن، زیر پرچم حاکمی که خداوند او را نام برده و تعیین کرده، تنها راه رستگاری مسلمانان و سیطره‌ی آنان بر جهان است.^۱



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مخصوص رهبری خراسانی



۱. بازگشت به اسلام، ص ۱۴۵ و ۱۴۶

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مخصوص رهبری خراسانی حفظه الله تعالى



صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک وبسایت پایگاه

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.